



گروه فایمی در جلسات قرآنی مشهد

ناشنیده‌های ۱۰۰ سال جلسات قرآنی مشهد

در گفت‌وگو با استاد سید جواد سادات فاطمی، قاری و معلم برجسته قرآن، به بررسی تاریخ فعالیت‌های قرآنی در مشهد طی یک قرن گذشته، نقش تحول‌آفرین رهبر انقلاب در پویایی سبک قرائت قرآن این شهر و حضور مؤثر و مداوم خاندان سادات فاطمی در این عرصه پرداخته‌ایم

جواد نوائیان رودسری — گفت‌وگو با استاد سید جواد سادات فاطمی، یک فرصت مغتنم است؛ قاری و معلم قرآن، پژوهشگر قرآنی و البته از بانیان جامعه قاریان مشهد. او وابسته به خانواده‌ای است که سابقه‌ای ۱۰۰ ساله در فعالیت‌های قرآنی شهر ما دارند؛ سابقه‌ای که جریان ساز است و باعث تغییرات بنیادی در سبک تلاوت قرآن کریم و گسترش مجالس قرآنی مشهد شده است. استاد سادات فاطمی، شیوا و روان صحبت می‌کند و از تاریخچه مجالس قرائت قرآن مشهد، اطلاعات گسترده و دقیقی دارد. آن چه در پی می‌آید، مشروح

■ **نخستین استاد قرائت قرآن با صوت و لحن**

تا حدود صد سال قبل، تا جایی که ما توانستیم اطلاعات کسب کنیم، آموزش قرآن در مشهد روال مکتب‌خانه‌ای داشت؛ هر محله صاحب مکتب‌خانه‌ای بود که پیر مرد یا پیر زنی را اداره می‌کرد و بچه‌ها هم، برای فراگیری قرآن می‌رفتند به این مکتب‌خانه‌ها. قرائت هم به صورت ساده آموزش داده می‌شد، یعنی همه را به صوت و لحن یا سبک خاصی نبود. این وضعیت همچنان ادامه داشت تا این که اوایل دهه ۱۳۰۰ خورشیدی، یک استاد قرآن به نام سید محمد عرب زعفرانی، به قصد زیارت، از عتبات به مشهد آمد. تعدادی از تجار و معتمدان شهر که از ورود وی به مشهد مطلع شده بودند، نزد وی رفتند و از مرحوم سید محمد عرب خواستند که در مشهد بماند و کار آموزش قرآن را بر عهده بگیرد؛ قرار شد که وی از نظر مالی تأمین کنند، برایش منزلی بگیرند و او به این کار مشغول باشد. مرحوم حاج‌آقای امینی، پدر بزرگ مادری ما و همین‌طور حاج‌آقای سلامتی، شوهر خواهر حاج‌آقای امینی که هر دو در پایین خیابان حجره داشتند، از افرادی بودند که این پیشنهاد و درخواست را به مرحوم سید محمد عرب ارائه دادند. قرار شد که آن مرحوم، در مشهد به کار آموزش قرائت قرآن بپردازد و دو علاقه‌مندان را در مشهد، با سبک قرائت عراقی آشنا کند. مرحوم سید محمد عرب، این پیشنهاد را پذیرفت و در مشهد به ماندگار شد. او به مدت ۲۰ سال در این شهر، به آموزش قرائت قرآن مشغول بود. وی حدود سال ۱۳۲۰ ش در گذشت و در حرم مطهر مدفون شد. حضور و فعالیت سید محمد عرب در مشهد، سرآغاز آموزش قرآن با شیوه قرائت‌توام با صوت و لحن بود.

■ **ظهور قاریان توانمند در مشهد**

حاصل فعالیت ۲۰ ساله سید محمد عرب در مشهد، پرورش شاگردانی زبده و توانمند بود؛ از جمله ملاعباس که شاگرد درجه یک مرحوم عرب محسوب می‌شد و استاد قرآن مقام معظم رهبری هم بوده است. شاگرد دیگر مرحوم عرب، حاج‌آقای رضوان بود که خطاط آستان قدس رضوی و از ثلث‌نویسان مطرح آن روزگار محسوب می‌شد

رهبری هم بوده است. شاگرد دیگر مرحوم عرب، حاج‌آقای رضوان بود که خطاط آستان قدس رضوی و از ثلث‌نویسان مطرح آن روزگار محسوب می‌شد و یادگاری‌های هنر او، هنوز در اماکن متبر که قابل مشاهده است. در کنار این‌ها، مرحوم حاج سید حسین حافظیان بود که مدت‌ها به عنوان صدر الحُفاظ آستان قدس رضوی شناخته می‌شد و تابعد از انقلاب این سمت را داشت. مرحوم مهدی شجریان هم از شاگردان سید محمد عرب بود و همین‌طور، حاجی توسلی خیاط و تعداد دیگری که البته ماحیلی دقیق مشخصات آن‌ها را نداریم. به این ترتیب، نسلی از استادان قرائت قرآن پدید آمد که در آموزش قرآن در مشهد، بسیار تأثیر گذار بود.

■ **گریزی به تاریخچه ساختار جلسات قرآنی**

جلسات سید محمد عرب یا به صورت خانگی برگزار می‌شد یا آن‌ها را در اماکن متبر که مسجد گوزر شاد منعقد می‌کردند. برنامه شاگردان او نیز، چنین بود. من جلسات خانگی و همین‌طور جلسات حرم برخی از این استادان را به خاطر دارم. یادم هست که در دار الحُفاظ حرم مطهر، جلسات حاج‌آقای حافظیان برگزار می‌شد؛ هر شب جلسه بود و اصلاً این جلسات میان مردم شهرت داشت. همه می‌دانستند که هر شب، یک ساعت بعد از نماز مغرب و عشا، این جلسه منعقد می‌شود. بعد از در گذشت مرحوم حافظیان، صدر الحُفاظی آستان قدس به اخوی ما، حاج سید مرتضی سادات فاطمی واگذار شد. دیگر استادان قرآن، بیشتر در جلسات خانگی حضور داشتند. از میان این جلسات، من جلسه مرحوم شجریان، مرحوم توسلی و چه نمی‌کردند؛ حتی از جیب خودشان، بعضی وقت‌ها به بچه‌ها جایزه می‌دادند؛ اما برای پذیرایی و دیگر امور، بالطبع هزینه‌هایی داشت که بیشتر بر گزار کننده تقبل می‌کرد؛ مثلاً در جلسه قرآن منزل پدر بزرگ ما، صبح‌های جمعه، صبحانه می‌دادند و بعد از آن، چای قرائت قرآن را شروع می‌کردند. هزینه آن هم توسط مرحوم حاجی امینی تقبل می‌شد؛ البته این را هم بگویم که این جلسات هزینه آن چنانی نداشت و آن‌ها را با کمترین هزینه ممکن برگزار می‌کردند. در واقع سبک پدیرایی در این جلسات، مثل همین روضه‌های خانگی بود که امروزه برگزار می‌شود و مردم هم شرکت می‌کنند. در مشهد به این جلسات، «دوره قرآن» می‌گفتند.

قرائت عراقی رایج بود که ریشه در فعالیت سید محمد عرب و شاگردانش داشت.

■ **خاطراتی شیرین از جلسات قرآنی**

من با سبک مصری و عبدالباسط، از کودکی و بانوار آشنا شدم. مرحوم دایی‌ام، حاج حسن امینی، استاد قرآن بود و خیلی هوای ما را داشت؛ به جلسه قرآن می‌برد. آن مرحوم حدود سال ۱۳۴۳ ش به مکهرفت و یک ضبط صوت، همراه با نوارهای قرآن آورد که عمدتاً قرائت عبدالباسط بود. من اکثر مواقع پای این ضبط صوت می‌نشستم و قرآن گوش می‌دادم. یادم هست در باغ پدر بزرگ که مابیشتر اوقاتمان را آن‌جا می‌گذرانیدیم، می‌نشستم و قرآن گوش می‌کردیم. من از چهار سالگی شروع کردم به خواندن سوره‌های کوچک. به همین دلیل، دایی‌ام مرا با وجود کم سن و سالی، به جلسات قرآن آن زمان می‌برد؛ مثل جلسه مرحوم شجریان. یادم هست به یکی از این جلسه‌ها رفته بودیم؛ مرحوم شجریان به افراد مختلف می‌گفت که قرآن بخوانند، اما به من، چون کوچک بودم، اعتنایی نکرد. بغض گلویم را گرفت و می‌خواستم گریه کنم. دایی‌ام به او گفت که اجازه بدهد من هم بخوانم و مرحوم شجریان اجازه داد. وقتی قرائتم تمام شد، کلی مرحاتحسین کرد و آفرین گفت و این اسباب تشویق بود. بعد از آن، همان‌طور که اشاره کردم، در جلسه قرآن حاج‌آقای رضوان که در منزل پدر بزرگ ما برگزار می‌شد هم، شروع کردم به خواندن قرآن. به جلسه حاج‌آقای حافظیان در حرم هم می‌رفتم؛ جلسه بسیار منظم و مَعْظَمی بود؛ باشکوه‌ترین جلسه قرآن مشهد. مرحوم حافظیان، مدیر مقتدری بود؛ اصلاً جلسه‌داری‌اش باقیه فرق می‌گردد. در جلسه‌او، کسی حق نداشت وسط جلسه بلند شود؛ اگر فردی می‌خواست جلسه را ترک کند، با صدای بلند و رسای خودش فریاد می‌زد: «بشین!» و بعد، سکوت همه جارافرمی‌گرفت؛ سکوت مطلق! ابهت خاصی داشت. افراد مختلفی به این جلسه می‌رفتند، اخوی ما، حاج مرتضی و آقای واحدی هم می‌آمدند؛ آقای دکتر فخلعی، استاد فعلی دانشگاه فردوسی و برادرش هم می‌آمدند. آقای دکتر آن زمان مثل من در سنین نوجوانی قرار داشت، بسیار خوش صدا بود؛ قاریان آن جلسه را، این افراد تشکیل می‌دادند.

■ **نخستین حافظان قرآن مشهد**

ما در مشهد آن روز، یعنی حوالی سال ۱۳۵۰ ش، فقط یک حافظ قرآن داشتیم که پیر مرد نابینایی بود؛ یعنی به‌آن معنا حافظ قرآن وجود نداشت؛ اصلاً توجهی به حفظ قرآن نمی‌شد یا اگر حافظ قرآن داشتیم، کسی نمی‌شناخت و خبر از او نداشتیم. پیر مرد حافظ قرآن، به جلسه‌آقای حافظیان در حرم

شد. البته قبل از تشکیل جامعه قاریان، حدود سال ۱۳۶۰ ش، دارالقرآن در سازمان تبلیغات اسلامی تأسیس شده بود. فعالیت دارالقرآن بر اساس سبک و روش‌های جدید بود، از کلاس‌های مدرن، لوازم کمک آموزشی و کتاب‌های تدوین شده استفاده می‌کردند. در شهرهای مختلف شعبه‌هایی تشکیل شد و در مشهد هم بود. با این حال، مجموعه آن‌ها، مجموعه‌ای دولتی به حساب می‌آمد که به بودجه عمومی وابستگی داشت و این موضوع، باعث برخی محدودیت‌ها می‌شد و از آن طرف، تابع مقرراتی بود که بعضاً، اجرای آن‌ها مشکل یا در برخی موارد غیرممکن بود. البته فعالیت‌های دارالقرآن تأثیر و ارزش خودش را داشت؛ مثلاً در عرصه اعزام قاری به کشورهای دیگر، خیلی خوب و مؤثر عمل می‌کرد. ما در مشهد تصمیم گرفتیم این تشکیلات را به صورت مردمی ایجاد کنیم. جمعی از قاریان جوان مشهد به دنبال این موضوع افتادند؛ اهداف مختلفی را هم دنبال می‌کردیم، آموزشی، فرهنگی، صنفی و... قرار بود که این تشکیلات وابسته به دولت نباشد. اساسنامه‌ای نوشتیم که در آن مبنای اساسی تصمیم‌گیری، مجمع عمومی بود؛ همه افراد جامعه قرآنی مشهد می‌توانستند عضو جامعه قاریان شوند و هیئت مدیره را انتخاب کنند. در ابتدای کار، به نظر رسید که با توجه به اشراف آیت‌ا... خامنه‌ای بر وضعیت قاریان مشهد و شناختی که از آن‌ها دارند، لازم است از ایشان هم کسب اجازه کنیم. به پیشنهاد یکی از دوستان، قرار شد که من خدمت معظله لهرسم و اساسنامه را هم به ایشان تقدیم کنم. نامه‌ای تنظیم کردیم و با اساسنامه بردم تهران و تقدیم حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای کردم و توضیح دادم که قرار است چه کار کنیم. این کار در نوع خودش، بسیار جدید و منحصر به فرد بود؛ قبل از ما هیچ مؤسسه فرهنگی با این ساختار و شاکله وجود نداشت. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در مواجهه اول، فرمودند که کار جدیدی است و آن را تأیید و زیرنامه را هم پاراف کردند. از همان ابتدا، به دنبال نوآوری و کارهای تازه بودیم؛ مثلاً نخستین مهد کودک قرآنی را جامعه قاریان در مشهد راه‌اندازی کردیم در مرکز تربیت مدرس قرآن کریم را به وجود آوردیم و ساختارهای درسی آن طراحی شد؛ حتی برای برخی درس‌ها که منابع لازم را نداشتیم، نشستیم و کتاب تألیف کردیم. مثلاً دو جلد کتابی که بنده نوشتم، منابع مورد نیاز در همین زمینه بود؛ در واقع مجموعه‌ای از کارهای تأسیسی صورت گرفت. تنها در مرکز تربیت مدرس قرآن کریم، بیش از ۱۲ هزار نفر ثبت‌نام و از امکانات آموزشی آن استفاده کردند. خیلی از مربیان قرآن مهد کودک‌ها در مشهد، فارغ التحصیلان همین مرکز هستند. جنگ قرآن را نخستین بار، جامعه قاریان برپا کرد و



از چپ به راست: حاج سید مرتضی، حاج سید مجتبی و حاج سید جواد سادات فاطمی

همچنین، محفل‌های قرآنی را که در جاهایی مانند تالار آیینی سینما هویز مشهد برگزار شد.

■ **مروری بر افتخارات یک خاندان**

پدر بزرگ پدری ما، روحانی بود و ما هم ایشان را ندیدیم؛ خیلی زود فوت کرد. پدر بزرگ مادری ما، مرحوم حاج میرزا محمد امینی مقدم، تابعد از پیروزی انقلاب بر قید حیات بود و در حدود سال ۱۳۶۰ در گذشت. اصدت حاج‌آقای امینی، یزدی بود. آن مرحوم، برای زیارت به مشهد آمد و بعد، این‌جا ماندگار شد. از تجار پنبه و نخ بود. در یک تیمچه، واقع در پایین خیابان حجره داشت. همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم، شوهر خواهر مرحوم امینی، یعنی حاج ماشا... سلامتی هم، در همان تیمچه صاحب حجره بود. این دو، بانیان ماندگار شدن سید محمد عرب در مشهد بودند. مرحوم امینی در سال ۱۲۷۰ ش متولد شد و حدوداً در سال ۱۲۹۰ ش به مشهد مهاجرت کرد. این مهاجرت، زمینه‌هجرت بقیه افراد خانواده امینی را از یزد به مشهد فراهم کرد و هفت خواهر مرحوم پدر بزرگ ما هم، ساکن مشهد شدند و همین‌جا از دو اوج کرد. قبل از این که جلسات قرآن سید محمد عرب تشکیل شود، جلسات قرآن در مشهد وجود داشت، ولی در آن، توجهی به سبک قرائت نمی‌شد. پدر بزرگ ما هم بر اساس علاقه‌ای که داشت، در این جلسات شرکت می‌کرد. بعدها ما ماندگار شدن سید محمد عرب، جلسات قرآن منزل حاج میرزا محمد امینی هم، تشکیل شد. دقیقاً نمی‌دانم جلسات قرآن منزل پدر بزرگ از چه زمانی آغاز شده بود. اخوی ما، حاج‌آقا مرتضی می‌گفت که از زمانی که یادش می‌آید این جلسه برگزار بوده؛ ایشان متولد سال ۱۳۲۸ است. بنابراین، می‌توان برای آن قدمتی پیش از این تاریخ و حتی اوایل دهه ۱۳۰۰ خورشیدی و زمانی که مرحوم سید محمد عرب تازه به مشهد آمد، قائل شد. نکته مهم این است که این